

نظام آوایی زبان

قبلاً آموختیم، زبان‌شناسان نظام زبان را در سه سطح مطالعه می‌کنند :

۱- واج شناسی یا نظام آوایی

۲- دستور زبان یا صرف و نحو

۳- معناشناسی و کاربرد زبان

از این گذشته، دستور زبان را نیز به دو بخش صرف و نحو تقسیم می‌کنند. در این درس ما بحث خود را به سطح واج‌شناسی محدود می‌کنیم و در این سطح به توضیح نظام آوایی زبان می‌پردازیم.

به کلمه‌ی «بار» توجه کنید. این کلمه از حروف «ب»، «ا» و «ر» تشکیل شده است. هر یک از صداهاى این کلمه را **واج** می‌گویند. واج آوایی است که می‌تواند در یک ساخت آوایی، جانشین آوای دیگری شود و آن ساخت را به ساخت دیگری تبدیل کند؛ مثلاً واج /د/ که می‌تواند در ساخت آوایی «بار» جانشین واج /ر/ شود و آن را به ساخت آوایی «باد» بدل کند. در نوشتار معمولاً هر واجی را با یک حرف الفبا نشان می‌دهند. نظام آوایی زبان از همین واج‌ها تشکیل می‌شود.

زبان‌شناسان هنگام نوشتن واج‌ها با حروف الفبا آن‌ها را در این نشانه / / قرار می‌دهند. حروف معمولی را هم عموماً درون علامت « » می‌آورند. ما نیز از همین شیوه‌ی نشانه‌گذاری استفاده می‌کنیم. مثلاً، /ب/ یک واجِ زبانِ فارسی است ولی «ب» یک حرفِ الفبای معمولی در نوشتارِ فارسی است.

واج‌های زبان با هم ترکیب می‌شوند و ساخت‌هایی را به وجود می‌آورند که به آن‌ها **هجاء** یا بخش می‌گوییم. چنان که در مثالِ بالا واج‌های /ب/، /ا/، /ه/، /ی/، /ر/ با هم ترکیب شده‌اند و هجای «بار» را ساخته‌اند.

فعالیّت

هر یک از حرف‌های «و»، «ا»، «ه»، «ی» نماینده‌ی چند واج است؟
درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگو کنید.

واج‌های زبان به دو دسته‌ی **مصوّت** و **صامت** تقسیم می‌شوند. در فارسی هیچ هجایی با مصوّت آغاز نمی‌شود و مصوّت‌ها همیشه دومین واج هر هجا هستند. چنان که در مثالِ بالا مصوّتِ /ا/ دومین واجِ هجای «بار» است و صامت‌های /ب/، /ر/ در دو طرف آن آمده‌اند.

تعدادِ واج‌ها در زبان‌های گوناگون، متفاوت است؛ مثلاً، زبان فارسی ۲۹ واج دارد که به ۶ مصوّت و ۲۳ صامت تقسیم می‌شوند.

هر هجا به تنهایی می‌تواند ساختِ آواییِ یک کلمه را تشکیل دهد. مثلِ همان هجای «بار» که خود یک کلمه است. این قبیلِ کلمات را **کلماتِ تک هجایی** می‌نامند.

هجاها با هم ترکیب می‌شوند و ساخت‌های آواییِ پیچیده‌تری را تشکیل می‌دهند. مثلاً، کلمه‌ی دو هجاییِ «سالم» از دو هجای «سا+لم» یا کلمه **پنج هجایی**ِ «ایران شناسی» از هجاهای «ای+ران+ش+نا+سی» تشکیل شده است.

بیاموزیم

به جملی زیر توجه کنید :

دو خواهر و برادر حافظ کل قرآن شدند .

از جملی بالایی توانیم سه معنی متفاوت را دریابیم :

(الف) دو خواهر و دو برادر حافظ کل قرآن شدند .

(ب) یک خواهر و یک برادر حافظ کل قرآن شدند .

(پ) دو خواهر و یک برادر حافظ کل قرآن شدند .

مقصود کدام جمله است ؟ «الف»، «ب» یا «پ» ؟

اکنون به جملی دیگری توجه کنید :

حسین دوست پنج ساله‌ی من است .

(الف) حسین دوست من است و پنج سال دارد .

(ب) حسین از پنج سال پیش با من دوست بوده است .

مراد از این جمله کدام است ؟ الف یا ب ؟

چنین جملاتی دارای ابهام و به اصطلاح، «کژتابی» هستند چون از هر کدام مفاهیم متعددی برداشت می‌شود. بنابراین، باید جمله را به گونه‌ای بنویسیم که دقیقاً مقصود را بیان کند.

خودآزمایی

- (۱) تعداد هجا (بخش) و واج‌های کلمات زیر را مشخص کنید.
دانش، آسمان، نغز، کاشانه، مهربان، یادگار
 - (۲) واج‌هایی را که هر کدام چند شکل مکتوب (= حرف) دارند، بنویسید.
 - (۳) از راه جانشین‌سازی واج‌ها در ساخت آوایی کلمه‌ی «نان»، ده کلمه‌ی جدید بسازید.
 - (۴) جمله‌های زیر را ویرایش کنید و کژتابی‌های آن‌ها را توضیح دهید.
- برادر ابراهیم – همان که از در وارد شد – دانشجو است.
 - به دوست همسایه‌ام سلام کردم.
 - دو فعل معلوم و مجهول بنویسید.
 - علی مثل خواهرش دانشجو نیست.
 - سعید با پدر و مادر معلمش برگشت.

گروه اسمی (۱)

آموختیم که گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل می شود اما وجود وابسته اجباری نیست.

آفتاب در پرده نخواهد ماند.

آفتاب روشن در پرده نخواهد ماند.

آفتاب روشن حقیقت در پرده نخواهد ماند.

وابسته های بالا را پسین می نامیم؛ از آن رو که پس از هسته قرار می گیرند. اما

وابسته های زیر، پیشین نام دارند:

در چنین دورانی بود که گالیله قد علم کرد.

در کدام دوران گالیله قد علم کرد؟

در همان دوران گالیله قد علم کرد.

هیچ دورانی از آدم های بزرگ خالی نیست.

برترین نیروی آدمی توانایی شناخت دنیا است.

به هر چهار دانش آموز شرکت کننده در اردو یک اتاق می دادند.

سال گذشته با این ویژگی های اسم آشنا شدیم:

(۱) شمار

(۲) شناس، ناشناس، اسم جنس

(۳) عام، خاص

(۴) ساخت

شمار

دانستیم که اسم یا مفرد است یا جمع یا اسم جمع
مفرد: اسم مفرد در فارسی نشانه‌ی ویژه‌ای ندارد؛ جز چند اسم جمع از قبیل :
لشکر، سپاه، قبیله، ایل، طایفه، کاروان، قافله، ملت، رمه، گله. بقیه‌ی اسم‌ها در فارسی
مفردند و بر یکی دلالت می‌کنند: کتاب، درخت، پرند.

جمع: برای نشان دادن تعداد بیش از یکی، از وابسته‌های پسین (= نشانه‌های جمع)^۱
استفاده می‌شود. این وابسته‌ها به ترتیب کثرت کاربرد عبارت‌اند از:

(۱) ها: تقریباً همه‌ی کلمات حتی واژه‌های دخیل را با این نشانه جمع می‌بندند:
سال‌ها، آدم‌ها، لحظه‌ها، خطر‌ها، مغول‌ها، ماشین‌ها، تلفن‌ها، فوتبالیست‌ها.
(۲) ان: سخنان، جانوران، گوسفندان. این نشانه‌ی جمع دو گونه‌ی دیگر نیز دارد:
گان، یان.

گان: ویژه‌ی کلماتی است که به (ه / ه) ختم می‌شوند: ستارگان، بیچارگان،
فرشتگان^۲.

یان: ویژه‌ی کلماتی است که به مصوت‌های (ا، و) ختم می‌شوند: آشنایان،
دانشجویان^۳.

(۳) ات: اثرات، اشتباهات، دهات.

(۴) ین: برخی از واژه‌های عربی، در فارسی با این نشانه‌ی جمع کاربرد دارند:
ضابطین.

(۵) ون: این نشانه‌ی جمع نیز به ندرت در فارسی به کار می‌رود: مادیون، انقلابیون.

(۶) جات: این نشانه بیشتر بر مجموعه دلالت می‌کند تا جمع: ترشی‌جات، سبزی‌جات.

* جمع مکسر: این جمع نیز ویژه‌ی کلمات عربی است که برخی از آن‌ها در فارسی
به کار می‌روند: آثار، ملوک، نکات، قصور، مدارس، عقلا، منازل، ابنیه.

(۱) از این نشانه‌ها تنها ها و ان فارسی هستند و بقیه از عربی وارد زبان فارسی شده‌اند. شمار اندکی از
واژه‌های فارسی را نیز با این نشانه‌ها جمع بسته‌اند.

(۲) ه / ه در نوشتن حذف می‌شود.

(۳) استثنا نیز دارد؛ مثل بانوان، ابروان، زانوان.

فعّالیت

درباره‌ی جمع‌های مکسر صفحه‌ی پیش و صورت‌های مفرد آنها گفت‌وگو کنید.

اسم جمع مانند مفرد نشانه‌ای ندارد اما بر یک مجموعه دلالت می‌کند: ملت، امت، جمعیت، گروه، دسته، جوخه.

شناس (معرفه)، ناشناس (نکره)، اسم جنس

اسم به یکی از سه صورت زیر به کار می‌رود:

۱) **شناس**: اسمی است که برای شنونده یا گوینده شناخته باشد. برخی نشانه‌های اسم‌شناس (معرفه) عبارت‌اند از:

الف) **را پس از اسم جنس**: کتاب را خریدم.

ب) «این» و «آن» و «کدام» پیش از اسم جنس: چون خودم در انتخاب یکی از آن دو کتاب تردید داشتم، از کتابدار که آدم آگاهی بود، پرسیدم کدام کتاب را بخرم؟ او این کتاب را پیشنهاد کرد.

پ) **اسم جنسی که مضاف‌الیه آن شناس باشد**: پدر جمشید، کلاه این پسر

۲) **ناشناس**: اسمی است که برای گوینده یا شنونده به صورت ناشناس به کار می‌رود و پیش از «ی» یا پیش از «ی» و «را» می‌آید:

هرگز سخنی را بی تأمل بر زبان میاور.

کتابی (را) با خود آورده بود.

اسم ناشناس اگر بار دیگر در کلام بیاید شناس می‌شود: کتابی خریدم. کتاب خوبی

بود.

۳) **اسم جنس**: اسمی است که بدون هیچ نشانه‌ای به کار رود و منظور آن تمام افراد

طبقه‌ی خودش باشد: اسم جنس معمولاً به صورت مفرد به کار می‌رود.

کتاب برای تزیین اتاق نیست، برای خواندن و بهره‌مند شدن است.

عامّ و خاص

اسم عام: همه‌ی وابسته‌های پسین و پیشین اسم را می‌پذیرد: **کتابی** را که سفارش کرده بودید، خریدم. **بینید همین کتاب است؟**

اسم خاص: برخلاف اسم عام دو وابسته‌ی پسین (نشانه‌های جمع — ی نکره) را نمی‌پذیرد:

بهروزی آمد. بهروزها آمدند.

گاه اسم مشاهیر را می‌توان جمع بست. حتّی در این صورت هم این گونه اسامی، «خاص» هستند.

ساخت اسم

اسم را از نظر ویژگی ساخت، یعنی اجزاء تشکیل دهنده، به چهار نوع زیر تقسیم می‌کنیم:

الف) اسم ساده: اسمی است که فقط یک جزء (تکواژ) دارد: **قبیله، بوته، شنبه، رستم، فرهنگ، شمشاد، کبریت، گوسفند.**

ب) اسم مرکّب: اسمی است که از دو یا چند جزء (تکواژ) مستقل ساخته می‌شود: **شاهنامه، دادر، کارمزد.**

برخی اسم‌های مرکّب این گونه ساخته می‌شوند:

(۱) دو (یا چند) اسم: **مهمان‌سرا، مادرزن، لاک‌پشت، کتاب‌خانه.**

(۲) صفت + اسم: **سیاه‌سرفه، نوروز، پنج‌شنبه، چهارراه.**

(۳) اسم + بن‌ماضی: **کارکرد، دست‌برد، رهاورد.**

(۴) اسم + بن‌مضارع: **گل‌گیر، مدادتراش، خط‌کش، خاک‌انداز، آب‌کش.**

فعالیّت

درباره‌ی دیگر نمونه‌های اسم‌های مرکّب گفت‌وگو کنید.

(پ) اسم مشتق: اسمی است که یک جزء آن معنای مستقل ندارد؛ یعنی **وند** است : گفتار، خوبی، روزه، گرما^۱.

برخی اسم‌های مشتق این گونه ساخته می‌شوند :

(۱) بن مضارع + پسوند **ـ ش** : آموزش، گردش، پرورش، ورزش.

(۲) بن ماضی + پسوند **ار** : گفتار، کردار، دیدار، رفتار.

(۳) اسم + پسوند **ـ ه / ـ ه** : روزه، ریشه، دماغه، ساقه، لبه.

(۴) بن ماضی + پسوند **ـ ن** : رفتن، دیدن، شنیدن. (مصدر)

(۵) صفت + پسوند **ی** : خوبی، بدی، سفیدی، سیاهی.

(۶) اسم + پسوند **ـ ک** : عروسک، موشک، خرک، پفک.

(ت) اسم مشتق — مرکب: اسمی است که ویژگی‌های مشتق و مرکب را با هم داشته

باشد :

دادویداد، تکاپو، دوچرخه، نی‌لبک، سربازگیری، سه‌گوشه، کُشت و کشتار، گفت‌وگو،

پاسداری، سی و سه پل.

نام آوا

صداهاى طبیعى و بى معنای پیرامون ما، (صدای موجودات زنده و غیرزنده) را «نام آوا»

می‌نامند. نام آواها از مقوله‌ی اسم هستند و در جمله نقش گروه اسمی می‌گیرند :

«این درست است که تنفّر یا لذّت به ذوق سلیم وابسته است و هر کسی ذاتاً از قارقار

کلاغ و هوهوی جغد بیزارى می‌جوید و از جیک‌جیک گنجشک مسرور می‌شود اما

هیچ کس نمى‌تواند شادى گم شده‌ای را در بیابان از شنیدن واق‌واق سگی که خبر از آبادی

نزدیک می‌دهد انکار کند.»

فعالیّت

نام آواهای آب، آتش، باد، صدای برگ خشک در زیر پا و رعد را بیان

کنید.

۱- نشانه‌های جمع، تر، ترین، و نشانه‌ی نکره (ی) در تغییر ساخت واژه نقشی ندارند.

بیاموزیم

جمله‌ای « الف » و « ب » را مقایسه کنید :

□ بنیان‌گذار مؤسسه، اعضای شورای سیاست‌گذاری را معرفی کرد.
 □ نحوه‌ی قیمت‌گذاری باید عادلانه باشد.
 □ کتاب راروی میز گذاشتم.

} الف

□ ما هرگز نخواهیم توانست حق پدر و مادر را - آن‌گونه که شایسته
 است - بگذاریم.

□ نام‌ی علی (ع) به مالک اشتر در بردارنده‌ی پیام‌های اصلی
 یک حکومت عادلانه است برای همه‌ی کارگزاران.
 □ دانش‌آموزان به زحمات خدمتگزار مدرسه ارج می‌نهند.

} ب

* * *

همان‌طور که می‌دانیم « گذاشتن » در معنای حقیقی کلمه « قرار دادن »
 به‌طور عینی و مشهود « است ». چنان‌که در جمله‌ی « کتاب راروی میز گذاشتم »
 ملاحظه می‌شود. کلمه‌ی « گذاشتن » مجازاً به معنی « قرار داد کردن » وضع

کردن، تأسیس کردن، نیز هست. چنان که «بنیان‌گذار» به معنی
 مؤسس و «قیمت‌گذار» به معنی تعیین‌کننده‌ی قیمت است.
 اما «گزاردن» به معنای «به جا آوردن، ادا کردن، اجرا کردن»
 است؛ بنابراین، نماز گزار به معنی ادا کننده‌ی نماز و خدمت گزار به معنی
 انجام دهنده‌ی خدمت است.

خودآزمایی

(۱) گروه‌های اسمی نوشته‌ی زیر را پیدا کنید و وابسته‌های پیشین و پسین هر گروه را مشخص
 نمایید.

از دیوان عظیم رودکی – که گفته‌اند صد دفتر بوده است و یک شعر مبالغه‌آمیز منسوب به رشیدی تعداد
 ابیات آن را تا یک میلیون و سیصد هزار بیت می‌رساند – آنچه اکنون باقی است بسیار اندک است و گرچه شک
 نیست که در روزگار فرخی و عنصری هنوز بازمانده‌ی اشعار او قابل ملاحظه بوده است، لکن از میان رفتن اشعار
 او گاه این تصوّر را به ذهن می‌آورد که شاید اشعار او را به عمد نابود کرده‌اند.

مثال: **دیوان عظیم رودکی**: دیوان هسته، عظیم وابسته‌ی پسین (صفت)، رودکی وابسته‌ی
 پسین (مضاف‌الیه)

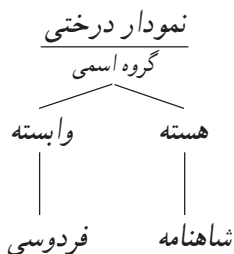
(۲) هسته‌ی گروه‌های اسمی را در خودآزمایی یک پیدا کرده ویژگی هر یک را تعیین کنید.

مثال: دیوان، مفرد، شناس (چون به اسم رودکی اضافه شده است)، عام، ساده

(۳) گروه‌های اسمی را در مثال‌های زیر پیدا کنید و نمودار درختی و پیکانی هر یک را بکشید.
 شاهنامه‌ی فردوسی سند افتخار زبان فارسی است. هیچ ابهامی در کار نیست. کشف حقیقت گردش زمین
 آغاز عصر جدیدی است. گرچه در سپیده‌دم این عصر هنوز گاليله نمی‌تواند طلب شیرفروش را بدهد. همین اجمار

معیشت او را ناگزیر می‌کند که برای چندرغاز توی کله‌ی هر زبان نفهمی فرو کند که دو خطّ موازی در بی‌نهایت به هم می‌رسند.

می‌توان دل‌سوزی آن مکارترین سوداگران را شنید که ریاکارانه می‌گویند: «هر یک ساعتی که از این چنین بزرگ‌مردی بدزدند، از ایتالیا دزدیده‌اند.»



مثال: نمودار پیکانی
شاهنامه‌ی فردوسی

```

    graph LR
      A[شاهنامه‌ی فردوسی] --> B[فردوسی]
  
```

۴) اسم‌های ساده، مرکب، مشتق و مشتق – مرکب را در خودآزمایی ۳ پیدا کنید.

مثال: گردش: اسم مشتق (بن مضارع + پسوند)

۵) برای هر یک از کلمات تک‌هجایی، دو‌هجایی، سه‌هجایی و چند‌هجایی، یک نمونه

بنویسید.

۶) «گزاردن» در گذشته معانی متعدّدی داشته است. با استفاده از کتاب لغت این معانی را پیدا

کنید و بنویسید.